

بحث: در تحقق معنای وجوب و استحباب

در تفاوت بین وجوب و استحباب اقوال متعددی مطرح است. تبیین این اقوال به بازشناسی معنای وجوب و استحباب نیز کمک می‌کند.

مرحوم بروجردی به ۵ قول در این باره اشاره می‌کند ضمن اینکه در کلمات بزرگان دیگر، اقوال دیگری نیز مطرح است.

مرحوم بروجردی در تمایز بین وجوب و استحباب می‌نویسند:

«فاعلم أنهم اختلفوا في أن المتبادر من لفظ الأمر و من الصيغ الإنشائية و الجمل الخبرية الواردة في مقام الطلب عند تجردها من القرائن، هو الطلب الوجوبي أو الندبي أو مطلق الطلب؟ و اللازم أولا - أن نبين ما به يمتاز الوجوب من الاستحباب في مقام الثبوت، ثم نذكر ما هو المتبادر من لفظ الأمر و الصيغ في مقام الإثبات، فنقول: امتياز الشئيين إما بتمام الذات، أو بجزء منها، أو بأمر خارج منها.

أما الأول: فهو فيما إذا لم يشتركا أصلا أو اشتركا في أمر خارج من ذاتيهما، كامتياز كل من الأجناس العالية و أنواعها من الأجناس الأخر و أنواعها، فالجوهر و أنواعه مثلا ممتازة بتمام ذواتها من الكم و أنواعه.

و أما الثاني: فهو فيما إذا اشتركا في بعض الأجزاء و امتازا ببعضها، كامتياز الإنسان من الفرس، فإنهما مشتركان في الحيوانية و ممتازان بالناطقية و الصاهلية.

و أما الثالث: فهو فيما إذا اشتركا في تمام الذات كامتياز زيد من عمرو، فإنهما مشتركان في الإنسانية و هي تمام ذاتيهما، و ممتازان بالعوارض المشخصة.

و هاهنا قسم رابع قد اختلف في وجوده أهل المعقول، و هو أن يشتركا في تمام الذات و يمتازا أيضا بتمام الذات، فيكون ما به الاشتراك عين ما به الامتياز.

و بعبارة أخرى يكون الامتياز بين الحقيقتين المشتركتين في تمام الذات، بكون الحقيقة كاملة و شديدة في إحداها، ناقصة و ضعيفة في الأخرى، مثل الخط القصير و الطويل، فإنهما مشتركان في الخطية و ممتازان أيضا بالخطية، و كالبياض الشديد و الضعيف.»^۱

۱. نهاية الأصول، صفحه ۹۹



توضیح:

- ۱) تمایز اشیاء یا به تمام ذات است یا به جزء ذات یا به چیزی خارج از ذات.
 - ۲) تمایز به تمام ذات در جایی است که دو شیء یا هیچ اشتراکی نداشته باشند و یا اگر اشتراک دارند، اشتراکشان به اموری خارج از ذات باشد مثل تمایز جوهر و کم.
 - ۳) تمایز به بعض ذات در جایی است که دو شیء در بعض ذات مشترک هستند و در بعض ذات متمایز هستند مثل تمایز انسان و فرس.
 - ۴) تمایز به امور خارج نیز مثل تمایز زید و عمرو (که تمایزشان به عوارض مشخصه است).
 - ۵) نوعی دیگر در تمایز آن است که دو شیء به تمام ذات مشترک هستند و در عین حال به تمام ذات مختلف، یعنی ما به الاشتراک و ما به الامتیاز یک شیء است و به شدت و ضعف با یکدیگر فرق دارند.
 - ۶) این نوع مورد پذیرش برخی از اهل معقول نیست.
- ما می گوئیم:

این فرمایش مرحوم بروجردی از مسائلی است که در فلسفه مورد اشاره واقع شده است. صدر المتألهین در این می نویسد:

«لعلک کنت مقروع السمع فی طبقات العلوم أن کل متمایزین فی الوجود أو العقل فتمایزهما و افتراقهما إما بتمام ماهیتها من دون اشتراک ما جوهری بینهما- أو بشيء من سنخ الماهية بعد اشتراک طبیعة ما جوهرية بینهما فالمشترک جنس و المعینات فصول و محصلات لطبائع نوعية و التركيب ترکیب اتحادی أو بأمور عرضية بعد اتفاقهما فی تمام الحقیقة المشتركة و المتحصل أفراد شخصية أو صنفية و التركيب ترکیب اقترانی. و لا أجدک ممن تفتنت هناك بقسم رابع ذهب إليه فلاسفة الإشراق ینقدح به الحصر و هو أن الافتراق ربما لا یكون بتمام الماهية و لا ببعض منها و لا بلواحق زائدة علیها بل بکمال فی نفس الماهية بما هی هی و نقص فیها بأن یكون نفس الماهية مختلفة المراتب بالکمال و النقص و لها عرض بالقیاس إلى مراتب نفسها وراء ما لها من العرض بالقیاس إلى أفرادها المتضمنة لها و لغيرها من الفصول و اللواحق. و هذا مما وقع فيه الاختلاف بین الفريقین.»^۱

ایشان سپس به اقوال متعدد در تمایز بین وجوب و استحباب پرداخته و می نویسد:

۱. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلية الاربعة، ج ۱، ص: ۴۲۸



«إذا عرفت هذا فنقول: قد يتوهم أن الامتياز بين الوجوب والندب اللذين هما قسمان من الطلب الإنشائيّ بجزء ذاتيهما بأن يكونا مشتركين في الجنس و هو الطلب، و يتفصل كل منهما بفصل مختص به، و ما يمكن أن يعد لهما فصلاً أمور:

الأول: أن يكون الفصل للوجوب المنع من الترك، و للاستحباب الإذن في الترك. و فيه: أن معنى كلمة المنع ليس إلاّ التحريك نحو الترك أعنى طلب الترك، فإذا أضيف هذا إلى لفظ الترك صار حاصل معناه طلب ترك الترك و هو عبارة أخرى عن طلب الفعل المعد جنسا.

الثاني: أن يقال إن الوجوب هو الطلب الموجب لاستحقاق العقوبة عند مخالفته، و الاستحباب هو الطلب غير الموجب له. و فيه: أن الوجوب بعد تحصله و صيرورته و جوبا يصير موجبا لاستحقاق العقوبة، فإيجاب الاستحقاق من لوازمه و آثاره لا من مقوماته.

الثالث: أن يقال إن الوجوب هو الطلب المسبوق بالإرادة الشديدة، و الاستحباب هو الطلب المسبوق بالإرادة الضعيفة. و فيه: أن الإرادة من العلل الباعثة على الطلب، و المعلول بتمام ذاته متأخر عن العلة، و لا يمكن أن يكون صدور المعلول عن علته من مقوماته و أجزائه.

و أضعف من هذا أن يقال: إن الوجوب هو الطلب المسبوق بالمصلحة الحتمية، و الاستحباب هو الطلب المسبوق بالمصلحة غير الملزمة.

و وجه الضعف أن المصالح و المفساد متقدمة رتبة على الإرادة لكونها من عللها، فيكون الطلب متأخرا عن المصالح و المفساد بمرتبتين، فلا يصح عدّها من مقومات الوجوب و الاستحباب، اللذين هما قسمان من الطلب. و قد يتوهم كون امتياز الوجوب و الندب بالشدة و الضعف كالخط الطويل و القصير مثلا.

و فيه: أن الأمر الإنشائيّ ليس قابلا للشدة و الضعف بنفسه لأنه أمر اعتباري صرف، و ليست الأمور الاعتبارية قابلة للتشكيك بذواتها هذا ما قيل في مقام الفرق بين الوجوب و الندب، و قد عرفت فساد الجميع»^١

توضيح:

- (١) برخی گمان کرده اند تمایز وجوب و استحباب به جزء ذات است.
- (٢) آنچه می تواند به عنوان فصل به حساب آید اموری است:
- (٣) اول: فصل وجوب = منع از ترک ، فصل استحباب = اذن در ترک

١. نهاية الأصول، صفحه ١٠١



۴) این قول با اشکال مواجه است چراکه، «منع» یعنی «تحریک به سمت ترک» (طلب ترک) و لذا «منع از ترک» یعنی «طلب ترک ترک» و این یعنی طلب فعل در حالیکه «طلب فعل» جنس به حساب می آید.

۵) دوّم: وجوب = طلب موجب استحقاق عقوبت عند المخالفه / استحباب = طلب غیر موجب استحقاق عقوبت عند المخالفه.

۶) این قول هم اشکال دارد چراکه: «موجب استحقاق بودن» از لوازم وجوب است و نه اینکه فصل (مقوم) باشد.

۷) سوم: وجوب = طلب مسبوق به اراده شدیده / استحباب = طلب مسبوق به اراده ضعیفه

۸) این قول هم اشکال دارد چراکه: اراده علت طلب است و معلول به تمام الذات از علت متأخر است. و لذا صدور معلول از علت نمی تواند فصل معلول باشد.

۹) چهارم: وجوب = طلب مسبوق به مصلحت حتمیه / استحباب = طلب مسبوق به مصلحت غیر ملزومه.

۱۰) این قول هم اشکال دارد چراکه: مصالح و مفاسد رتبه مقدم از اراده است و اراده رتبه مقدم از وجوب و استحباب است (چراکه علت آن دو است)

۱۱) اما ممکن است بگویند تمایز وجوب و استحباب به شدت و ضعف است.

۱۲) جواب آن است که امور انشایی، اعتباری هستند و امور اعتباری قابل شدت و ضعف نیستند.

مرحوم بروجردی سپس به مبنای خود اشاره کرده که در جای خود آن را بررسی می کنیم.

ما می گوئیم:

۱) باید توجه داشت که آنچه درباره تعریف وجوب مطرح شده و خواهد شد بعضاً، تعریف ایجاب است. چراکه

«طلب فعل» در حقیقت معنای ایجاب است. ولی علما بین ایجاب و وجوب تفاوت نمی گذارند و لذا تعریف ها

را به جای هم ذکر می کنند. و الا به دقت اگر بنگریم وجوب، «مطلوبیت فعل» است و طلب فعل تعریف ایجاب

است.

این مطلب را مرحوم شیخ محمدتقی اصفهانی در هدایة المسترشدين مورد اشاره قرار داده اند.^۱

۲) برای تشریح و تحقیق در بحث لازم است اقوال ۵ گانه مطرح شده را به طور مفصل تری بررسی نمائیم و به

اشکالات هر یک بپردازیم و سپس به اقوال دیگر اشاره کنیم.

۱. هدایة المسترشدين ج ۱ ص ۶۰۳

